

مقایسه میزان دلبستگی پدران با نوزادان بستری و غیربستری در بیمارستان

محمد ارشدی بستان آباد^۱، سوسن ولیزاده^۲، *جواد رضانژاد^۳، مهناز سلطانزاده^۴

چکیده

مقدمه: هنگامی که نوزاد بلا فاصله بعد از تولد بدليل زودرس بودن، بیماری یا اختلالات مادرزادی نیاز به مراقبت‌های درمانی پیدا می‌کند و یا فوت می‌نماید، اثرات این اتفاق غیرمنتظره می‌تواند بر روی والدین طاقت فرسا باشد و پدران این شرایط را مثل گیر افتادن در موقعیتی که هیچ تجربه قبلی نسبت به آن ندارند، توصیف کرده‌اند. این مطالعه با هدف مقایسه میزان دلبستگی پدران با نوزادان بستری و غیربستری در بیمارستان انجام شده است.

روش: این مطالعه یک پژوهش توصیفی - مقایسه‌ای می‌باشد. از ۱۴۸ نفر مراجعه کننده تعداد ۸۵ نفر حاضر به شرکت در پژوهش شدند که ۴۸ نفر در قالب گروه بستری و ۳۷ نفر نیز به عنوان گروه غیر بستری، وارد مطالعه شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک والدین و نوزاد و پرسشنامه ارزیابی میزان دلبستگی پدر با نوزاد (تهیه شده توسط John condon و همکاران) استفاده شد. جهت آنالیز داده‌ها از آزمون t مستقل و آنالیز واریانس و رگرسیون خطی چند متغیره استفاده گردید.

یافته‌های: دو گروه از نظر سن پدر، میزان درآمد ماهانه و سن هنگام تولد نوزاد همگونی داشتند. ارتباط آماری معنی داری بین همبستگی اجزای دلبستگی با مشخصات دموگرافیک یافت نشد. تنها سن پدران نوزادان غیر بستری در حیطه لذت تعامل دارای ارتباط مستقیم و معنی داری بود ($p=0.02$). مقایسه نمره کل دلبستگی پدران با نوزادان بستری و غیربستری و اجزای دلبستگی در دو گروه تفاوت آماری معنی داری نداشت.

نتیجه گیری: گرچه روابط اولیه عاطفی والد- نوزاد در روزهای اول زندگی خارج رحمی زیرساخت روانی و روابط اجتماعی نوزاد در سالهای آتی است اما براساس یافته‌های پژوهش مشخص گردید که عامل بستری شدن نوزاد نمی‌تواند در فرایند دلبستگی بین پدر و نوزاد گستاخ ایجاد نماید.

وازگان کلیدی: پدران، نوزاد، دلبستگی، بستری، غیر بستری.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۱۱

- دانشجوی دکتری آموزش پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی آذربایجان شرقی، تبریز، ایران.

- دکترای آموزش پرستاری، هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی آذربایجان شرقی، تبریز، ایران.

- دانشجوی کارشناسی ارشد مراقبتهای ویژه نوزادان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز. کارشناس پرستاری سازمان تأمین اجتماعی (نویسنده مسؤول).

پست الکترونیکی: javadrezanezhad@yahoo.com

-۴- کارشناس پرستاری بیمارستان ۲۹ بهمن تبریز، سازمان تأمین اجتماعی.

مطالعات در مورد روابط عاطفی پدر - کودک نشان داده است

که مراحل این پیوند عاطفی تا حدودی شبیه مادر است (۴,۵) ولی برخی مطالعات دیگر تعامل پدر و مادر با جنین در حال رشد را متفاوت دانسته (۶) و شواهد در این رابطه متناقض است. برخی میزان دلستگی مادر را بالاتر (۷,۸) و برخی میزان دلستگی پدر را بالاتر (۹,۱۰) گزارش کرده‌اند. اما پدرانی که در مراقبت از نوزادبیشتر درگیر هستند در مقایسه با آنها بی کمتر درگیر می‌شوند، به نوزادشان دلستگی کمتری نشان می‌دهند (۱۱). تعامل فوری پدر- نوزاد بعد از تولد در آینده بر رابطه پدر با نوزاد تأثیر مثبت دارد (۱۲).

در ایالات متحده آمریکا از ۳۵۰۰۰ نوزاد متولد شده در سال ۲۵۰۰۰ نفر از آنها جهت انجام اقدامات تشخیصی و درمانی در بیمارستان بستری می‌شوند (۱۳) هنگامی که نوزاد بالاگله بعد از تولد بدلیل زودرس بودن، بیماری یا اختلالات مادرزادی نیاز به مراقبتهای درمانی پیدا می‌کند و یا فوت می-نماید، اثرات این اتفاق غیرمنتظره می‌تواند بر روی والدین طاقت‌فرسا باشد (۱۴) و بستری شدن نوزاد در بیمارستان هم در مادران و هم در پدران باعث بروز اضطراب می‌شود (۱۵). پدران این شرایط را مثل گیر افتادن در موقعیتی که هیچ تجربه قبلی نسبت به آن ندارند، توصیف کرده‌اند (۱۶). در اینصورت دلستگی تأخیری یا غیرمعمول مادر- نوزاد رخ می‌دهد که ممکن است در رشد نوزاد و توانائی ارائه وظیفه ی والدی مادر مختلط کننده باشد. به همین دلیل روتین بیمارستان باید طوری باشد که تماس بین والدین - نوزاد را تشویق نماید (۱۷). پدران نقش حمایتی برای مادران و نوزادان دارند، در این بین پدران نیز نیازهای مراقبتی خودشان را دارند که باید مراقبت شوند (۱۸) چرا که اغلب تا زمان ترجیح نوزاد از بیمارستان، والدین فرصتی برای بیان احساسات خود با یکدیگر را پیدا نمی‌کنند. در این رابطه، فرهنگ موجود در جامعه نیز نقش عمده ای بازی می‌کند (۱۹).

با توجه به شرایط موجود در رابطه با زمان و مدت ملاقات پدر با نوزادان بستری در بیمارستان که در طول ۲۴ ساعت به مدت یک ساعت می‌باشد و از آنجاییکه بستری شدن نوزاد تازه

مقدمه

دلستگی در روانشناسی رشد به پیوند هیجانی که بین شیرخوار و مادر یا یک شخص بالغ دیگر پدید می‌آید، اطلاق می‌شود (۲۰). جان باولبی، روانکاو بریتانیایی نظریه‌ای به نام دلستگی را توصیف کرده است. طبق نظر باولبی، وابستگی زمانی بوجود می‌آید که "رابطه گرم، صمیمانه و پایا بین کودک و مادر که برای هردو رضایت‌بخش و مایه خوشی است " وجود داشته باشد (۲۱). دلستگی را "تمایل فرد به برقراری نوعی رابطه‌ی نزدیک با افراد معین و احساس امنیت بیشتر در حضور این افراد"، تعریف می‌نمایند. نه تنها الگوی دلستگی اولیه، با نحوه‌ی کنار آمدن کودک با تجربه‌های چند سال بعد ارتباط دارد (۲۲) بلکه فرایند دلستگی بین مادر و نوزاد فرایندی متقابل است چرا که رابطه بین دلستگی والدین - نوزاد با رفتارهای بعدی والدی به خوبی ثابت شده است (۲۳).

دلستگی بین والدین و نوزادشان از زمان قبل از تولد شروع می‌شود و با احساس حرکات جنین زیاد می‌شود و بعد از تولد افزایش می‌یابد (۲۴). بخشی از تکامل یک نوزاد طبیعی وابسته به مبادله یک سری واکنش‌های عاطفی بین والد و اوست که آنها را از لحاظ روانی و فیزیولوژیکی نزدیک می‌کند. این ارتباط با حمایت عاطفی خانواده تقویت می‌شود و ارتباط نوزاد - والد پیش از به دنیا آمدن نوزاد با برنامه ریزی و قطعیت حاملگی شروع می‌شود (۲۵). زمان ایجاد دلستگی به نوزاد در مادران نسبت به پدران متفاوت است (۲۶). اما وابستگی‌های عاطفی پدر و مادر به نوزاد به نظر می‌رسد که مشابه باشد در عین حال پدران احساس ترس کمتری از خود نشان می‌دهند و با نوزاد عاطفی تر برخورد می‌کنند ولی مادران غمگین‌تر هستند و خلقياتی که نشان می‌دهند زیاد به دلستگی مربوط نیست (۲۷).

اگر چه مادران افزایش سریعی در میزان دلستگی را در ماه پنجم حاملگی نشان می‌دهند و در طول حاملگی احساسی بخصوص دارند اما این احساس در پدران به آرامی و اغلب بعد از تولد و هنگام مراقبت از نوزاد اتفاق می‌افتد (۲۸). قابل ذکر است که، دلستگی به شخص خاص - مادر در اکثر جوامع - برای رشد سالم کودک اهمیت حیاتی دارد (۲۹).

